تاریخچه و وضعیت آموزش زبان فارسی در اتریش (بخش آکادمیک)(ویراست اول)

۱. درآمد: وین، خاستگاه دیرینه‌ترین نهاد دیپلماسی زبانی

آموزش زبان فارسی در اتریش ریشه‌ای عمیق‌تر از آنچه در نگاه اول پیداست دارد. موضوع توجه به آموزش زبان فارسی نه برخاسته از علایق نظری و دانشگاهی محض، بلکه از درون یک ضرورت دیپلماتیک-سیاسی در عصر امپراتوری هابسبورگ (Habsburg Monarchy) زاده شده است. وین، پایتخت یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اروپای مدرن، در نقطه ی تلاقی جغرافیای شرق و غرب قرار گرفته بود و به مترجمانی نیاز داشت که علاوه بر زبان‌های شرقی، آداب و گفتمان دربارهای ترکی عثمانی، عربی و فارسی را درک کنند.

فارسی در آن عصر فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران، به عنوان زبان دیپلماسی، مکاتبات رسمی، هنر و ادب در پهنه گسترده‌ای از هند گورکانی تا دربار عثمانی شناخته می شد؛ واقعیتی که تقاضا برای جذب و به کارگیری فارسی‌دانان و «ترجمانان» (Dragomans) را در دربار هابسبورگ به شدت بالا می‌برد. مکاتبات دیپلماتیک سلاطین عثمانی با شاهان اروپایی در بسیاری از دوره‌ها به زبان فارسی نگاشته می‌شد و این امر، یادگیری این زبان را از یک ترجیح فرهنگی به یک ضرورت در حوزه ی دیپلماسی و امنیت ملی برای اتریش تبدیل کرد.

پیشینه ی این ضرورت راهبردی به سال ۱۶۷۴ و صدور فرمان امپراتوری از سوی لئوپولد اول بازمی گردد که طی آن آموزش زبان های ترکی و عربی در وین جنبه ی الزامی پیدا کرد. در آن دوران، نوجوانانی موسوم به «پسران زبان» (Sprachknaben) برای آموختن زبان به استانبول اعزام می‌شدند. اما این سازوکار علاوه بر تحمیل هزینه‌های گزاف مالی، به دلیل خطرات جانی در طول سفر و همچنین خطر تغییر مذهب یا چرخش وفاداری این نوجوانان پرمخاطره و ناپایدار بود.[۱]

بر همین اساس، در اول ژانویه ۱۷۵۴، به پیشنهاد مدبرانه صدراعظم وقت، کنت ونتسل آنتون کاونیتس (Wenzel Anton Kaunitz)، ملکه ماریا ترزا «آکادمی امپراتوری-سلطنتی برای زبان‌های شرقی» (-Kaiserlich königliche Akademie für Orientalische Sprachen) را در وین تأسیس کرد. این نهاد تاریخی که امروزه با نام آکادمی دیپلماتیک وین (Diplomatische Akademie Wien) به فعالیت خود ادامه

می‌دهد، در اسناد رسمی و هویتی خود از این میراث به عنوان «کهن‌ترین نهاد آموزش بین‌المللی و دیپلماسی در سراسر جهان» یاد می‌کند.[۲]

۲. ساختار آموزشی آکادمی شرقی: جایگاه فارسی در میان زبان های سه گانه

ساختار آموزشی آکادمی شرقی وین با ظرافت بالایی طراحی شده بود. این نظان آموزشی، فراگیری عمیق سه‌گانه زبان های شرقی (فارسی، ترکی و عربی) را با یادگیری علوم روز اروپا مانند حقوق بین‌الملل، تاریخ عمومی، جغرافیا و پروتکل های دیپلماتیک درهم آمیخته بود. زبان فارسی در این آکادمی نه صرفاً به عنوان ابزاری برای ارتباط با اصفهان یا تهران، بلکه به عنوان زبان مشترک (Lingua Franca) دیوانسالاری شرقی تدریس می‌شد.

فارغ‌التحصیلان آکادمی که آن‌ها را به سبب سن کم «جوانان زبان» (Sprachjünglinge) می‌نامیدند، بلافاصله پس از اتمام این دوره سخت‌گیرانه به عنوان مترجم، وابسته یا مستشار به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های امپراتوری در شهرهای مهمی همچون استانبول، اصفهان، تبریز و اسکندریه اعزام می‌شدند.

میراث دیپلماسی زبانی وین در قرن نوزدهم به موتور محرک اصلاحات ساختاری در ایران عصر قاجار تبدیل شد. زمانی که میرزا تقی‌خان امیرکبیر برای تأسیس دارالفنون و نوسازی کشور، به دنبال قدرتی ثالث و بی‌طرف بود، امپراتوری اتریش را برگزید. به لطف بستر ارتباطی دقیقی که این "جوانان زبان" و مترجمان رسمی وین فراهم کرده بودند، اعتماد متقابلی شکل گرفت که منجر به ورود مستشاران برجسته‌ای چون دکتر یاکوب ادوارد پولاک به تهران شد. علاوه براین، با تکیه بر همان سنت زبانی آکادمی وین، عهدنامه مودت ۱۸۵۷ به عنوان یکی از موفق ترین قراردادهای حقوقی تاریخ قاجار تنظیم گردید.

هامر-پورگشتال؛ سرآمد فارغ‌التحصیلان آکادمی شرقی وین

نامدارترین دانش آموخته ی این آکادمی یوزف فون هامر-پورگشتال (Joseph von Hammer-Purgstall) (۱۷۷۴–۱۸۵۶) است. او در سال ۱۷۹۹ به عنوان «جوان زبان» (مترجم رسمی) سفارت اتریش به استانبول اعزام شد. در طول سال‌های حضورش در عثمانی و مصر، صدها نسخه خطی بی‌نظیر شرقی را خریداری و جمع‌آوری کرد. این گنجینه عظیم امروز بخش اصلی کتابخانه ملی اتریش (ÖNB) در وین را تشکیل می‌دهد و شامل قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی فارسی، تفاسیر قرآن و متون تاریخی است. او همچنین اولین کسی بود که دست‌نویس عربی کتاب معروف «هزار و یک شب» را کشف و به آلمانی ترجمه کرد. او پس از پایان فعالیت دیپلماتیک در شرق، به وین

بازگشت و به یکی از بزرگ‌ترین شرق‌شناسان تاریخ تبدیل شد. هامر-پورگشتال در سال ۱۸۱۲ اولین ترجمه کامل دیوان حافظ به یک زبان اروپایی (آلمانی) را منتشر کرد. این ترجمه، همان منبع الهام‌بخشی بود که یوهان ولفگانگ فون گوته را شیفته جهان بینی حافظ کرد و منجر به خلق شاهکار ادبی «دیوان غربی-شرقی» (West-östlicher Divan) شد؛ این رویداد نمونه ای شگفت انگیز از تبدیل آموزش آکادمی شرقی به یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای ادبی در تاریخ روابط فرهنگی ایران و اروپا را به نمایش گذاشت.[۳]

تحولات ساختاری قرن نوزدهم در آکادمی شرقی وین

آکادمی شرقی در سال ۱۸۱۲ با تصویب برنامه ی درسی جدید، طول دوره آموزش را از چهار سال به پنج سال افزایش داد تا امکان آموزش متون پیشرفته ی ادبیات فارسی و قواعد پیچیده زبان عربی فراهم شود. در سال ۱۸۳۳ با دستور مستقیم بنیانگذار دیپلماسی مدرن اتریش و صدراعظم مقتدر این کشور، کلمنس فون مترنیخ (Klemens von Metternich)، تدریس در آکادمی رسماً به دو بخش مجزا تفکیک شد:

بخش حقوقی-دیپلماتیک (ویژه آموزش کارگزاران سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل)

بخش فیلولوژیک (متن شناختی) و مطالعات زبانی (تخصصیِ تربیت مترجمان ارشد، محققان و شرق‌شناسان)

این نهاد در سال ۱۸۹۸ به «آکادمی کنسولی» (Konsularakademie) تغییر نام داد و تا سال ۱۹۴۱ به کار خود ادامه داد. در این سال و در بحبوحه جنگ جهانی دوم، توسط مقامات وقت اتریش تعطیل شد. ساختمان باشکوه این آکادمی در سال ۱۹۴۷ به ارتش آمریکا فروخته شد و امروزه محل سفارت ایالات متحده آمریکا در وین است.[۴]

۳. تحول فیلولوژیک: از تالارهای دربار به کرسی‌های دانشگاه

با ورود رسمی ایران پژوهی به ساختار دانشگاه‌های اروپا در قرن نوزدهم، آموزش زبان فارسی در وین شاهد یک چرخش بنیادین بود؛ این آموزش از یک «ابزار کاربردی دیپلماتیک» به یک «رویکرد فیلولوژیک (متن‌شناختی) و زبان‌شناختی» تحول یافت. این تحول، بازتاب جنبش بزرگ رمانتیسم آلمانی و کشف خانواده زبان‌های هندواروپایی بود که در آن، زبان فارسی (به ویژه پارسی باستان و اوستایی) به عنوان کلیدی برای بازسازی تاریخ و ریشه‌های تمدن بشری نگریسته می‌شد.

در دانشگاه وین، این تحول با تأسیس کرسی‌های تخصصی «زبان‌شناسی تطبیقی» غنای بیشتری یافت. دانشمندان نام‌داری همچون فریدریش مولر (Friedrich Müller) با پژوهش بر روی زبان‌های ایرانی و متون پهلوی (فارسی

میانه)، پایه‌های نوینی را در آموزش دانشگاهی زبان فارسی بنا کردند. مولر، با دانش وسیع خود توانست خط و زبان سغدی و پارتی را بازشناسی کند که این کار، انقلابی در شناخت زبان‌های ایرانی دوره میانه (پهلوی) ایجاد کرد. پس از او نیز، سنت مطالعات متن‌شناختی فارسی در وین توسط شاگردان و جانشینان برجسته او، همچون رودولف گایر (Rudolf Geyer) و کریستین بارتولومه (Christian Bartholomae) تداوم یافت. درنتیجه ی این رویکرد، تمرکز مطالعات زبان فارسی در وین به تدریج از فارسی گفتاری و کاربردهای دیپلماتیک، به سمت متن‌شناسی (فیلولوژی) محض یعنی خواندن، تصحیح، دست‌نویس‌شناسی متون ادبی کهن و بررسی تاریخ دوران میانه ایران معطوف شد.

هرچند این رویکرد به پدید آمدن آثار علمی تراز اول جهانی انجامید، اما یک پیامد ناخواسته نیز به همراه داشت: این روند، آموزش زبان فارسی را از یک مهارت زنده و کاربردی دور ساخت و آن را به حوزه‌ای نخبگانی، محدود و با تعداد بسیار اندکی از دانش‌پژوهان در محافل دانشگاهی تبدیل کرد.

٤. انستیتو ایران‌شناسی دانشگاه وین: ساختار و وضعیت کنونی

امروزه بار اصلی آموزش دانشگاهی زبان فارسی بر دوش بخش ایران‌شناسی (Iranistik) دانشگاه وین است که از نظر تشکیلات اداری به عنوان زیرمجموعه ی *انستیتو مطالعات آسیای جنوبی، تبت و بوداشناسی* (Institut für Südasien-, Tibet- und Buddhismuskunde) فعالیت می‌کند. این بخش در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم با تلاش‌های ایران‌شناسان برجسته ای چون برت فراگنر (Bert G. Fragner) رونق دوباره ای یافت.

برنامه درسی فعلی این بخش در دو سطح کمی و کیفی، حوزه‌های زیر را پوشش می‌دهد:

* **زبان‌آموزی کاربردی:** فارسی مدرن (گفتاری و نوشتاری)، دستور زبان ساختاری، و ترجمه مطبوعات.
* **زبان‌شناسی تاریخی ایرانی:** آموزش زبان‌های باستانی و میانه شامل اوستایی، پارسی باستان، فارسی میانه (پهلوی) و سغدی.
* **ادبیات و تاریخ:** تحلیل متون ادبی کلاسیک (شاهنامه، نظامی، سعدی) و ادبیات معاصر ایران، در کنار تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران از عصر صفوی تا کنون.[۵]

چالش ساختاری بزرگ در زمینه ی آموزش زبان فارسی

با وجود غنای محتوایی برنامه ی درسی آموزش زبان فارسی، یک چالش ساختاری بزرگ در دانشگاه وین مشهود است: **زبان فارسی به عنوان یک رشته مستقل با کرسی (Chair) تثبیت‌شده و مجزا تعریف نشده است.** بلکه همواره به عنوان زیرمجموعه‌ای از «ایران‌شناسی» یا «شرق‌شناسی عمومی» تعریف می‌شود. این رویکرد محافظه‌کارانه و ادغام‌گرایانه دانشگاه وین، برخلاف دانشگاه‌هایی چون لندن (SOAS) یا سوربن، مانع از تخصیص بودجه‌های مستقل، جذب اعضای هیئت علمی دائم با تخصص صرفاً زبان فارسی، و در نتیجه توسعه پایدار این رشته شده است.

۵. آموزش فارسی در سطح عمومی و نهادهای موازی

در خارج از هسته سخت فیلولوژی دانشگاهی، آموزش زبان فارسی در وین در سه لایه عمومی‌تر جریان دارد که مکمل لایه آکادمیک هستند:

نهاد متولی: مرکز زبان دانشگاه وین (Sprachenzentrum)

نوع مخاطب و هدف: دانشجویان سایر رشته‌ها و شهروندان

رویکرد آموزشی و چالش‌ها: آموزش بر اساس استانداردهای چارچوب اروپایی مشترک زبان‌ها (CEFR)؛ تمرکز بر مکالمه روزمره.

نهاد متولی: مؤسسات آموزش بزرگسالان (VHS Wien)

نوع مخاطب و هدف: عموم جامعه، علاقه‌مندان به سفر و هنر

رویکرد آموزشی و چالش‌ها: دوره‌های کوتاه‌مدت و ترمیک؛ آسیب‌پذیر در برابر نوسانات تعداد ثبت‌نام‌کنندگان.

نهاد متولی: رایزنی فرهنگی ایران در اتریش

نوع مخاطب و هدف: جامعه ایرانیان مقیم (نسل دوم و سوم) و آلمانی‌زبانان

رویکرد آموزشی و چالش‌ها: تمرکز بر ادبیات، خطاطی و زبان فارسی؛ با چالش‌های ژئوپلیتیک و نوسان روابط مواجه است.

بزرگ‌ترین چالش کیفی در سطح عمومی، کمبود مدرسان حرفه‌ای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (AZFA / DaF) است. در بسیاری از این مؤسسات، صرفا «بومی بودن زبان مدرس» ملاک تدریس قرار می‌گیرد و

عدم تسلط مدرسان به روش های نوین آموزش زبان دوم، بالا رفتن آمار انصراف زبان‌آموزان در ترم‌های میانی را به دنبال دارد.

۶. نتیجه‌گیری: ارزیابی انتقادی و چشم‌انداز آینده

بررسی تطبیقی وضعیت آموزش زبان فارسی در اتریش با قطب های دانشگاهی همتراز (آلمان، بریتانیا و فرانسه) نشان می‌دهد که وین عملاً از سرمایه نمادین و پیشینه ۲۷۰ ساله خود—که ریشه در تأسیس آکادمی زبان‌های شرقی دارد—بهره‌برداری بهینه نکرده است. در حالی که دانشگاه‌های آلمان مانند آزاد برلین (FU Berlin)، بامبرگ و گوتینگن با اتکا به بودجه‌های کلان اتحادیه اروپا (نظیر دوره‌های ارسموس پلاس و فاند DFG) کرسی‌های مستقل و پروژه‌های بزرگ نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دیجیتال را رهبری می‌کنند، وضعیت در وین به دلیلی انحلال کرسی مستقل ایران‌شناسی در سال ۱۹۷۱، همواره در حالتی تدافعی و صرفاً معطوف به حفظ وضع موجود بوده است.

این ایستایی کیفی و کمی معلول سه عامل کلیدی است:

۱. سیاست‌های انقباضی بودجه آکادمیک: دانشگاه‌های اتریش در دهه‌های اخیر تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در رشته‌های کاربردی کوتاه‌مدت نشان داده‌اند و علوم انسانیِ متون‌محور (Orchideenfächer) مانند ایران‌شناسی دائماً با تهدید کاهش بودجه روبرو هستند.

۲. افت روابط اقتصادی و تجاری: از نظر جامعه‌شناسی آموزش، تمایل دانشجویان اروپایی به یادگیری زبان‌های غیراروپایی (مانند عربی، چینی یا فارسی) ارتباط مستقیمی با «افق شغلی» و «مبادلات تجاری» کشورشان دارد. اعمال تحریم‌های بین‌المللی و کاهش حضور شرکت های اتریشی در بازار ایران، پیوند اقتصادی وین-تهران تضعیف شده و در نتیجه انگیزه مادی و کاربردی دانشجویان اتریشی برای انتخاب زبان فارسی به شدت افت کرده و تقاضا عمدتاً به علاقه‌مندان حوزه تاریخ و فرهنگ محدود شده است.

۳. نبود استراتژی دیپلماسی فرهنگی پایدار: نهادهای دانشگاهی و رسمی داخل ایران در دهه‌های گذشته نتوانسته‌اند یک پشتیبانی دائم، بی‌طرفانه و ساختارمند (مانند مدل انستیتو گوته آلمان یا بنیاد صوفیای چین) برای حمایت از کرسی‌های زبان فارسی در وین ایجاد کنند.

با این همه، به دلیل غنای بی‌نظیر آرشیوها و نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی اتریش (ÖNB) و کتابخانه دانشگاه وین، این شهر همچنان به عنوان یکی از پایتخت‌های معنوی ایران‌شناسی در اروپا باقی مانده است، مشروط بر آنکه ساختارهای سنتی آموزش آن به نفع متدهای مدرن و کاربردی بازتعریف شوند.

منابع و مآخذ:

- [1]. Schlöss, Erich. (2001). "Von den Sprachknaben zu den Anfängen der Orientalischen Akademie". *Wiener Geschichtsblätter*, Bd. 56, Nr. 1, S. 70–76.
- [2]. Diplomatische Akademie Wien. (2024). "Geschichte und Auftrag". Available at: da-vienna.ac.at/de/Die-Akademie/Geschichte.
- [3]. *Encyclopaedia Iranica*. (2012). "Hammer-Purgstall, Joseph Freiherr von". Online Edition, available at: iranicaonline.org/articles/hammer-purgstall.
- [4]. Universitätsbibliothek Wien. (2023). "Historischer Hintergrund — Konsularakademie und Orientalische Studien". Fachbereichsbibliothek Afrikawissenschaften und Orientalistik.
- [5]. Institut für Südasien-, Tibet- und Buddhismuskunde, Universität Wien. (2024). "Studienstruktur und Curriculum für das Fach Iranistik". Available at: stb.univie.ac.at.
- [6]. Rathkolb, Oliver (Hrsg.). (2004). *250 Jahre: Von der Orientalischen zur Diplomatischen Akademie in Wien*. Innsbruck: Studien-Verlag. ISBN 3-7065-1921-6.
- [7]. De Testa, Marie & Gautier, Antoine. (2003). "L'Académie Orientale de Vienne, 1754–2002". In: *Drogmans et diplomates européens auprès de la Porte ottomane*. Istanbul: Éditions Isis, pp. 53–75.